

معماری مسجد در آمریکا برنامه معماری اسلامی آقاخان در دانشگاه ام ای تی

اسلام (همچون مملوک و عثمانی)، ساخته شده‌اند. مجموعه‌ی اسلامی / فرهنگی واشنگتن (اتمام بنا ۱۹۵۷)؛ مرکز اسلامی گریت تلدو^۲ در اهایو (۱۹۸۳)؛ و مرکز اسلامی ایالت ویرجینیای غربی در جنوب چارلستن^۳ که در سال ۱۹۸۹ ساخته شد، نمونه‌هایی از این گروه اول هستند.

طرح مساجد دسته دوم ملقمه‌ای است از شکل‌های سنتی اسلامی و گونه‌های خاص طراحی بنا در ایالات متحده. فرهنگستان اسلامی نیویورک (اتمام بنا ۱۹۹۱) و دارالسلام آیکویی^۴ در ایالت نیو مکزیکو (۱۹۸۱)، نمونه‌هایی از دسته‌ی دوم هستند.

گروه سوم شامل بناهایی است مانند بنای جامعه‌ی اسلامی آمریکا در پلین فیلد ایندیانا^۵ (۱۹۷۹)، مرکز اسلامی آلبو کرکی^۶ نیومکزیکو مجموعه اسلامی ادموند^۷ در اکلاهما (۱۹۹۲)، و مرکز اسلامی اونزوویل^۸ در ایندیانا، کاملاً نوگرایانه و خلاقانه طراحی شده‌اند. در مساجد این گروه کمتر از شیوه‌های سنتی الهام گرفته شده است. مرکز اسلامی واشنگتن اولین مسجد آمریکایی با طرح کاملاً سنتی است. معمار ایتالیایی ماریو رسی^۹ که پیش از طراحی این بنا سال‌ها تجربه ساخت و ساز را در مصر داشت، با همکاری مهندسان وزارت خیریه مصر، که از جمله اهدافش وقف مساجد است، به طرح این بنا همت گماشت.

طرح مرکز اسلامی واشنگتن تا حدود زیادی از معماری مملوک مصر برگرفته شده است. هر چند، به ویژه، در مبلمان و طرح فضای داخلی از شکل‌های عثمانی و اندلسی الهام گرفته است، اما سرامیک‌های آن از ترکیه ارسال شده‌اند، چراغ‌آویزهای آن مصری هستند، و فرش‌هایش از سوی شاه ایران به این مرکز اهداء شده‌اند. کل مخارج مسجد از سوی چندین کشور اسلامی تأمین شده و به نظر می‌رسد که روند طراحی این بنا بهانه‌ای برای ایجاد ارتباط بین دنیای اسلام و آمریکای شمالی پدید آورده است. آن ریچاردسن^{۱۰} در کتابش: شرق به غرب می‌رود: دین و فرهنگ آسیا در آمریکای شمالی^{۱۱} (۱۹۸۵)، می‌گوید که مسجدگونه‌ی جدیدی از

نخستین مسجد در تاریخ اسلام که در نخستین سال ۶۲۲ میلادی در شهر مدینه ساخته شد، شکلی ساده و مستطیلی داشت و از مصالحی ابتدایی همچون تنه‌ی درختان نخل و خشت ساخته شده بود. اولین مسجدی که در سال ۱۹۳۴ میلادی در شهر آیووا سِداژ ریپیدس^۱ آمریکای شمالی ساخته شد نیز بنای ساده‌ای بود با نمایی سفید و گنبدی بر فراز بخش ورودی‌اش.

در فاصله‌ی زمانی میان ساخت دو مسجد فوق‌الذکر، اصول طراحی مسجد در سکونت‌گاه‌های مسلمانان کشورهای مختلف جهان از جمله آمریکای شمالی دچار تحولات زیادی شده است. این تغییرات براساس ویژگی‌های اقلیمی، محیطی و فرهنگی خاص هر یک از این مناطق صورت گرفته است.

کارکرد مساجد آمریکا تنها به مراسم عبادی منحصر نمی‌شود. تنها تعداد اندکی (در حدود صد تا) از هزار مسجد موجود در ایالات متحده از بدو ساختشان به بهانه‌ی بهره‌برداری منحصر به فرد مسجد یا به عرصه‌ی وجود گذاشتند. بسیاری از بناهایی که امروزه به عنوان مسجد شناخته می‌شوند، در ابتدا به عنوان مراکز گردهمایی و فعالیت‌های فرهنگی استفاده می‌شدند. به طور مثال، با اینکه مجتمع اسلامی / آلبانیایی، تنها یک مسجد ساده به نظر می‌رسد، از ابتدا برای مراسم ازدواج و جشن‌های جمعیت هندی و پاکستانی مسلمان میشیگان ساخته شده بود. بسیاری از این مساجد و مراکز اسلامی، به ویژه گونه‌های اولیه‌ی آنها، توسط معماران ساخته نشده بودند.

در چند دهه‌ی اخیر به واسطه‌ی جایگاه خاص گروه‌های مهاجر مسلمان، مساجد تحت نظر مستقیم طراحان و معماران متخصص ساخته می‌شوند. از نقطه نظر ساختار شکلی، مساجد آمریکا را می‌توان به سه دسته کلی تقسیم کرد. اولین گروه شامل مساجدی می‌شود که ساختاری کاملاً سنتی دارند و بر اساس سبک‌های رایج طراحی مساجد در تاریخ

پرستُن^{۱۵}، می‌گوید: «این مسجد را مشابه بنای معروف پادشاهی (پادشاهی) در لاهور پاکستان، که از تاج محل هم بزرگ‌تر است، طراحی کردم.» با اینکه این مسجد از نظر جغرافیایی از الگوی طراحی‌اش بسیار دور است، به نظر می‌رسد که مالک بنا و عبادت‌کنندگان آن از این طرح راضی باشند. این‌گونه طراحی به ویژه بسیار موردپسند اولین گروه‌های مهاجر مسلمان به آمریکا قرار می‌گیرد. در هم آمیختن غریب و آشنا و نو و کهنه برای بهره‌وران این بناها پدیده‌های قابل درک است. بازنمایی اصالت و فرهنگ اسلام باعث می‌شود که این بهره‌وران به مساجد آمریکایی احساس تعلق کنند. پرستُن می‌گوید که «سنت و اصالت در بنا به آن نوعی «مردم‌واری» می‌دهد؛ پدیده‌ای که تنها در معماری بومی قبل از دوران مدرن یافت می‌شود.»

گاهی مساجد آمریکا بدون نظارت صاحب‌نظران طراحی می‌شوند و در نهایت حالت تصنعی به خود می‌گیرند و گاهی شخصیت دوگانه‌ای به خود می‌گیرند و نمایانگر ملقمه‌ای از روش‌های ساخت نو و سنتی هستند. مرکز اسلامی منهن نمونه‌ای بارز از این‌گونه مساجد است. این بنا در سال ۱۹۹۱ توسط گروه معروف معماری اسکیدمور، اُن، و مریل^{۱۶} (ا.س.ا.م) در منطقه شمال منهن، در تقاطع خیابان سه و نود و شش ساخته شد. طراحان این بنا با آمیختن شکل‌های نو و سنتی، سعی در جلب رضایت همه گروه‌های

ارتباطات را میان کشورهای اسلامی ایجاد کرده است. او هم‌چنین می‌افزاید که این مساجد نشان‌دهنده‌ی اتحاد مسلمانان است. به‌طور مثال، با وجود اینکه مرکز اسلامی/آلبانیایی هارپر وودز میشیگان^{۱۷}، که در سال ۱۹۶۲ توسط معمار آمریکایی فرانک بیمر^{۱۸} ساخته شد، نمایانگر صرف معماری عثمانی است، اما به روی تمامی مسلمانان منطقه باز است. در دهه‌ی هشتاد میلادی تعداد زیادی مسجد با الهام از شکل‌های سنتی اسلامی در آمریکا ساخته شدند. مراکز اسلامی واقع در نزدیکی تلدوی اهایو، و جنوب چارلستن در ایالت ویرجینیای غربی نمونه‌های دیگری از معماری سنتی مساجد آمریکایی هستند.

در سال ۱۹۸۳ معمار ترک، تلعت اتیل^{۱۹} مسجد عثمانی را در حوالی مزارع ذرت ایالت اهایو ساخت. مناره‌ی عثمانی چهل و یک متری و گنبد هجده متری نیمه کروی آن به راحتی از بزرگراه مجاور به چشم می‌خورد و به این محیط میانه‌ی غرب آمریکا حال و هوایی خاورمیانه‌ای می‌دهند. این ساختمان لزوماً با محیط اطرافش ارتباط برقرار نمی‌کند. با این حال، به نظر می‌رسد که نوعی ارتباط میان فرهنگ سرزمین‌های اسلامی و آمریکای شمالی ایجاد کرده است. بسیاری از مساجد نوع دوم این‌گونه محیط‌شان را تحت‌تأثیر قرار می‌دهند. مسجد جنوب چارلستن در ویرجینیای غربی نمونه‌ای دیگر از این دست است. معمار غیرمسلمان مسجد، ویلیام

ساکن این منطقه از شهر نیویورک را داشتند. این مسجد برای بهره‌برداری جمعیت کثیرمسلمان نیویورک که اکثر اهم از کارمندان، دست‌اندرکاران، و دیپلمات‌های سازمان ملل هستند، ساخته شده است. در سال ۱۹۶۶ زمین مسجد به اتفاق دولت‌های عربستان سعودی، کویت و لیبی خریداری شد. از سال ۱۹۸۱ دولت کویت به تنهایی مخارج ساخت مسجد را متقبل شد. در ابتدا طرح مسجد به یک معمار ایرانی تبار آمریکایی به نام علی دادرس واگذار شد. طرح او با الهام از معماری مساجد ایران عمارتی با حیات مرکزی بود.

اما در سال ۱۹۸۰ کمیته‌ی مسئول ساخت این مسجد تصمیم گرفت که طرحی نو و خلاقانه‌تر برای مسجد ارائه شود. به این ترتیب کار طراحی به شرکت معماری اس.ا.ام داده شد. این شرکت سابقه‌ی طولانی ساختمان‌سازی در کشورهای اسلامی دارد. ترمینال حجاج، بانک ملی عربستان و دانشگاه شاه عبدالعزیز در شهر جده و چند پروژه‌ی دیگر در کویت و بحرین از جمله طرح‌های بارز این شرکت معماری است.

به منظور هر چه بهتر شدن طرح، کمیته مرکز اسلامی نیویورک در طول طراحی پروژه از دو مجمع متشکل از اعضای انجمن مسلمانان نیویورک و معماران با تجربه کمک گرفت. گروه متشکل از معماران بنایی نوآورانه و امروزی را توصیه می‌کردند حال آن که کمیته‌ی مسلمانان می‌خواستند که مسجد حدالامکان سنتی و یادآور بناهای سرزمین‌های

اسلامی باشد.

به سبب این دو گرایش متفاوت سلیقه‌ای در طرح، معماران «اس. ام» تصمیم گرفتند که با ایجاد طرحی آزاد هر دو گروه را راضی نگاه دارند. مایکل مک کارتی^۷، معمار اصلی بنا، در مصاحبه‌ای با مجله معماری رکورد^۸ سال ۱۹۹۲، این عقیده‌ی معماران «اس. او. ام» را به صراحت اعلام کرد و هم‌چنین اذعان داشت که «در طول تاریخ اسلام، بهترین تکنیک‌های از پیش محاسبه شده‌ی هندسی و روش‌های ساخت مطابق با شرایط محیطی به کار گرفته شده است. با همه امکاناتی که قرن بیستم به ما می‌دهد ما نیز باید از این سنت‌های با ارزش استفاده‌ی بهینه بکنیم.» بعد از مشاجره‌های طولانی هر دو کمیته تصمیم بر یک طرح کاملاً نوآورانه گرفتند. این بنا سرانجام با ۲۷ متر ارتفاع و با چهار دیوار اصلی که گنبد فلزی عظیمی را بر فراز خود نگاه می‌دارند، در سال ۱۹۹۱ به اتمام رسید. درست در بخش زیرین گنبد تالار بزرگ نمازخانه قرار گرفته است. نور ملایم طبیعی از چهارسو توسط نورگیرهای چهارگوش تعبیه شده در زیر گنبد به داخل تالار می‌تابد و حالتی عرفانی به فضا می‌بخشد. به‌طور کلی، از شکل‌های چهارگوش با مقیاس‌های متفاوت در این بنا استفاده‌ی زیادی شده است.

با اینکه طرح‌های ساده‌ی چهارگوش به کار گرفته شده در نما و حجم کلی ساختمان، چهره‌ای مدرن به ساختمان می‌دهد، اما این مسجد به گفته

گرفتن در مهنن، که یکی از مهم‌ترین مناطق فرهنگی و هنری دنیاست، توجه زیادی را به خود جلب کرده و به صورت نماد هنر و معماری مدرن اسلام در آمریکای شمالی درآمده است.

در سال ۱۹۸۱ حسن فتحی مسجد دار السلام آبیگویی را در ایالت نیومکزیکو ساخت. شکل بنا ترکیبی از دو سبک بیزانس و ساسانی است اما با این حال بسیار شبیه کار دیگر فتحی در گورنیه نوی^{۲۱} مصر است. معماری بومی نیومکزیکو ریشه در سبک‌های اسلامی اسپانیا دارد و از این‌رو طرح حسن فتحی با محیط غریبه نیست. اما علی‌رغم زیبایی‌های ظاهری و طرح با اصالتش، سه انتقاد اساسی به این بنا وارد است:

اول اینکه طرح برای مناطق اقلیمی بسیار گرم و خشک طراحی شده است. حال آنکه آب و هوای نیومکزیکو این‌گونه نیست. دوم اینکه بنا، به سبب طرح کاملاً سنتی‌اش، با فرهنگ امروزی ارتباطی ندارد. و بالاخره این‌که به‌خاطر جدا بودنش از محیط‌های شهری، این بنا نقش قابل توجهی در ترویج فرهنگ و هنر اسلام ایفا نمی‌کند.

کارهای گلزار حیدر، معمار پاکستانی‌الاصول کانادایی و بارت پرنس آمریکایی نمونه‌هایی از نوع سوم طراحی مسجد می‌باشند که نه کاملاً سنتی هستند و نه با به‌کارگیری شیوه‌های مدرن القاء‌کننده سبک‌های قدیمی می‌باشند. طراحی‌های این دو معمار غالباً بسیار نوآورانه هستند. حیدر، طرفدار معماری سمبلیک و مطابق با ویژگی‌های ریخت‌شناختی

تاریخ‌نگار معماری اسلامی، اُلگِ گرابار^{۲۲}، بیشتر تداعی‌کننده‌ی معماری عثمانی است. این بنا در کل ملقمه‌ای است از معماری مدرن و سنتی. به طور مثال، تبدیل ساختار مکعبی بنا به پایه مدورگنبد یک شیوه سنتی است، اما با به‌کارگیری هندسه مدرن و شکل‌های جدید، این روند با شکلی کاملاً خلافاً صورت گرفته است. در طرح اولیه برای این مسجد مناره‌ای در نظر گرفته نشده بود. عده‌ای وجود مناره را اساسی دانستند و ساخت آن را پیشنهاد کردند. وجود مناره تا جایی مهم توصیف شد که به علت مشکلات مالی، برای ساخت هر چه سریع‌تر آن، ساخت بخش‌هایی از مسجد همانند کتابخانه و کلاس‌های آموزشی به تعویق انداخته شد.

سرانجام طرح مناره به گروه معماری سوانک هیدل کُنل^{۲۰} داده شد. اَلْتُن گورسل، معمار آمریکایی ترکیه‌ای تبار طراح اصلی این مناره بود. او ۹ طرح مختلف را برای مناره ارائه کرد. سعی گورسل بر این بود که طرحش به گونه‌ای نمادین معماری سنتی مناره در ۵۰ کشور اسلامی جهان را بازنمایی کند. او نهایتاً طرح ساده‌ای را برای مناره پیشنهاد کرد. مناره بلند و باریک است و با وجود تضادی که با فرم حجیم و نسبتاً افقی ساختمان مسجد ایجاد می‌کند، بسیار خوشایند به نظر می‌آید و به کل طرح حالتی متعادل می‌دهد. متأسفانه با وجود اینکه ۱/۵ میلیون دلار خرج ساخت این مناره شده است، امکان اذان گفتن از فراز آن میسر نیست. اما به هر حال وجود آن نقش مؤثری را در هویت مسجد ایفا می‌کند. این بنا به سبب قرار

روش‌های سنتی مسجد شکل گرفته است. به نظر می‌رسد که تضادی بین داخل و خارج بنا وجود دارد. حیدر این تضاد را به دوگانگی‌های میان اسامی پروردگار تشبیه می‌کند. در اسلام باطن و ظاهر هر دو اسامی خدا هستند. هو الظاهر و هو الباطن:

یکی بیانگر ناپیدایی اوست و دیگری نمود حضور وی. بر اساس این مقایسه مسجد مجموعه‌ی پلین فیلد ایندیانا به‌طور نمادین باورهای اسلامی را به معرض نمایش می‌گذارد. طرح ایسنا با زبانی نمادین ویژگی‌های اسلامی را در معرض دید می‌گذارد. تضاد بین درون و بیرون بنا بیان‌کننده ایده‌ی ظاهر و باطن است و طرح مکعب‌وار آن یادآور خانه کعبه، نماد اتحاد مسلمانان جهان است. در این طرح عناصر اصلی مسجد مانند گنبد به چشم نمی‌خورند. فرض حیدر بر این است که دیوارهای ساده و مکعبی عناصر نمادین مسجد را همانند چیزهایی با ارزش دربرمی‌گیرند و اجازه نمی‌دهند که از بیرون دیده شوند. به این ترتیب نمای خارجی یا ظاهر مسجد ایسنا بیشتر با محیط آمریکا ارتباط برقرار می‌کند، حال آنکه اصالت اسلامی‌اش را در درون یا باطنش نگاه می‌دارد.

این روش طراحی تنها منحصر به مجموعه‌ی ایسنا نمی‌شود. به‌طور مثال، مسجد آلبو کرکی در نیو مکزیکو هم، به لحاظ ایده‌های اولیه ساختش از این دست محسوب می‌شود. این مسجد در سال ۱۹۹۱ با الهام‌گیری از معماری «ارگانیک» توسط بارت پرنس ساخته شد. نورگیرهای بلند و سفید آن از فاصله‌ی دور نظر عابران را به خود جلب می‌کنند. این مسجد، درحقیقت، هال وسیعی است که به واسطه‌ی تعبیه بخش‌های متحرک، قسمت‌های مردانه و زنانه را از هم جدا می‌کند.

و اقلیمی محیط است. از مهم‌ترین کارهای او می‌توان به مسجد جامعه اسلامی آمریکا در پلین فیلد ایندیانا اشاره کرد. حیدر هم‌چنین معتقد است که معماری اسلامی باید بیانگر ویژگی‌هایی باشد که توسط عامه‌ی مردم شناخته شده باشد. برای مهاجران مسلمان به آمریکا، بنای اسلامی می‌تواند یادآور سرزمین و گذشته‌های‌شان باشد و در عین حال در آنها حس امید به هویت اسلامی‌شان در آمریکا را برانگیزد. در این راستا، معماری اسلامی برای مسلمانان بومی آمریکا نیز، باید حس تعلق به مسلمانان اقصی نقاط جهان را برانگیزد. به نظر حیدر بناهای اسلامی باید برای غیر مسلمانان هم حس تعلق و صمیمیت را پدید آورد.

در سال ۱۹۷۹ مجمع اسلامی آمریکا شمالی ایسنا^{۳۳} تصمیم گرفت که در پلین فیلد ایندیانا مستقر شود. ساخت این مجموعه به حیدر و یک معمار مسلمان هندی به نام مختار خلیل داده شد. به دلایل مالی طرح این دو معمار هرگز کامل نشد. ساختمان کنونی شامل سه فضای کتابخانه، بخش اداری، و مسجد می‌شود. ساختمان کتابخانه به طور آریب حجم ساختمان اداری و مسجد را که به اتفاق در یک راستا قرار گرفته‌اند، قطع می‌کند. در اطراف این مجموعه فضای باز زیبایی وجود دارد. حیدر مجموعه‌ی ایسنا را این‌گونه تفسیر می‌کند: «مسجد مکانی برای ارتباط بین خدا و انسان است، بخش اداری بیانگر حضور قانونی مسلمانان در جامعه آمریکا است، کتابخانه‌ی مرکزی هم برای باروری علوم دینی و قرآنی است.

نمای خارجی مسجد در این مجموعه مدرن و ساده بوده و با هیچ سبک شاخص اسلامی تشابهی ندارد، اما فضای داخلی بنا براساس

فوق‌الذکر دارد. صدیق کریم، معمار این بنا اذعان می‌دارد که طرحش بر اساس خواست مردم محل به این گونه شکل گرفته است.

در پایان باید پرسید که این طرح‌های گونه‌گون معماری مسجد در آمریکا چه پیام مهمی را در بر می‌گیرند؟ در ابتدا به سبب مسائل امنیتی و اندک بودن مسلمانان در آمریکا، از طرح‌های سنتی برای مسجد استفاده نمی‌شد. اما با رشد جمعیت مسلمان در آمریکا، طرح‌های با اصالت‌تر و سنتی‌تر مسجد پا به عرصه گذاشتند. برخی از معماران هم به ترکیب طرح‌های نو و جدید همت گماشتند. به علت عدم رعایت اصول سنتی مساجد معمارانی همچون حیدر، پرینس، و کریم همواره مورد استقبال مهاجران مسلمان قرار نمی‌گیرند. با توجه به اینکه جمعیت مسلمان آمریکا از اقصی نقاط جهان به این کشور می‌آیند، در نظر گرفتن معماری سنتی تمامی سرزمین‌های اسلامی در طرح الزامی به نظر می‌رسد. به طور مثال، مناره مرکز اسلامی منهتن، ترکیبی از فرم کشورهای مختلف اسلامی است. با اینکه بسیاری از نسل‌های اولیه مهاجر به آمریکا به بناهای سنتی بیشتر علاقه نشان می‌دهند، باید گفت که آن دسته از مساجدی که با شرایط محیطی آمریکای شمالی تطابق برقرار می‌کنند، از ارزش معماری بیشتری برخوردارند.

نمونه طولانی‌تر این مقاله قبلاً در «نگرشی به طراحی مسجد در آمریکای شمالی: اسلامی یا آمریکای؟» تألیف یونه یزبک حداد و جان اسپزیتو چاپ ۱۹۹۸ اسکار، چاپ شده است.

پانوشته‌ها:

1. Cedar Ropids, Iowa
2. Greatez Toledo
3. Charlestson
4. Abiquiu
5. Plain Field, Indiana
6. Albuquerque
7. Edmond
8. Evansville
9. Mario Rossi
10. E.Allen Richardson
11. East comes west: Asian Religions and cultures in North Amercia
12. Harper woods
13. Frank Beymer
14. Talat Itil
15. William Preston
16. Skidmore, owings & Merill (S.O.M)
17. Michael Mc Carty
18. Architectural Record's
19. Oleg Grabar
20. Swanke Haydel Connell
21. New Gourna
22. ISNA

مجموعه اسلامی ادموند در اکلاهما

The Islamic Center of Edmond in Oklahoma

لوله‌های مسی رنگ تأسیسات از زیر سقف چوبی این هال عبور می‌کنند و حالتی ساده و خودمانی به محیط می‌دهند. این طرح یادآور «معماری آرگانیک» فرانک لوید رایب و معمار اکلاهمایی، بروس گف است. به این ترتیب به سختی می‌توان این مسجد را مشابه مساجد سنتی دانست. این ساختمان در سال ۱۹۸۶ که رسانه‌های آمریکا تبلیغات منفی بر علیه اسلام می‌کردند، پا به عرصه وجود گذاشت. با اینکه هیچ سمبل اسلامی در نمای خارجی این بنا تعبیه نشده است، به نظر می‌رسد که این بنا به لحاظ تکنولوژیک و تطابق‌های اقلیمی و محیطی مانند ساختمان‌های سرزمین‌های اسلامی باشد. تنها در درون سالن اصلی نمازخانه فرورفتگی کوچکی در دیوار به چشم می‌خورد که مانند محراب است و جهت قبله را نشان می‌دهد.

مرکز اسلامی اونزویل در آلبو کُرکی ایندیانا به سبب تطابقش با محیط، بسیار شبیه این مجموعه است. این مرکز در سال ۱۹۹۲ مانند خانه‌های شیروانی‌دار معمول آمریکایی ساخته شد. تقریباً هیچ‌گونه تشابهی بین این بنا و مساجد سرزمین‌های اسلامی وجود ندارد. اما مانند مسجد مرکز اسلامی آلبو کُرکی، محراب کوچکی در درون این بنا تعبیه شده است.

مسجد الاسلام ادموند در اکلاهما هم ساختاری مشابه دو مسجد